

## فهرست مطالب

۶ ..... دین و زندگی دوازدهم

۴۳ ..... دین و زندگی یازدهم

۹۷ ..... دین و زندگی دهم

# دین و زندگی

(۳)

ستاره‌ای بدرخشید و ماه مجلس شد  
دل رمیده ما را رفیق و مونس شد  
نگار من که به مکتب نرفت و خط نوشت  
به غمزه مسئله آموز صد مدرس شد

«حافظ شیرازی»

که ذات و حقیقتش مساوی با موجود بودن باشد و نیستی در او راه نداشته باشد. در این صورت، چنین چیزی دیگر پدیده نیست.

۱۵) ۴) نیازمندی موجودات به خداوند، منحصر به مرحله پیدایش نمی‌شود، بلکه برای بقا و ادامه نیز به او نیازمندند. ما همواره دیده‌ایم که در مصنوعات انسانی، رابطه چندان میان بقای یک مصنوع با سازنده آن وجود ندارد. بنابراین تفاوت مصنوعات انسانی و موجودات جهان هستی در نیازمندی پدیده‌ها در بقای خود به خدا است. این تفاوت برخاسته از آن است که سازنده مصنوعات انسانی، نظم‌دهنده است اما خداوند هستی‌بخش است.

۱۶) ۳) مفهوم این شعر، مشهود بودن خداوند در همه مخلوقات و آیه و نشانه بودن او است که با آیه شریفه ﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ ارتباط مفهومی دارد.

۱۷) ۱) لازمه شناخت هر چیزی احاطه و دسترسی به آن است. خدا حقیقتی نامحدود دارد و چون نامحدود است، در ظرف ذهن ما نمی‌گنجد. هر چستی که برای او فرض کنیم، او را در حد تصورات ذهنی خود پایین آورده و محدود کرده‌ایم. ۱۸) ۱) این‌که: «نمی‌توانیم به ذات خدا پی ببریم.» به این معناست که نمی‌توانیم بدانیم خدا چیست و چگونه است. هر چستی که برای او فرض کنیم او را در حد تصورات ذهنی خود پایین آورده و محدود کرده‌ایم. زیرا خدا حقیقتی نامحدود دارد و چون نامحدود است، در ظرف ذهن ما نمی‌گنجد و ذهن به حقیقت خداوند احاطه پیدا نمی‌کند.

۱۹) ۱) اراده خدا در باقی ماندن یا از بین رفتن موجودات نشان‌دهنده نیاز در بقای موجودات است که آیه ﴿كُلُّ يَوْمٍ﴾ بیانگر آن است.

۲۰) ۳) ما همواره دیده‌ایم که در مصنوعات انسانی، رابطه چندان میان بقای یک مصنوع با سازنده آن وجود ندارد. به همین جهت ممکن است برخی گمان کنند که یک معلول در بقای خود نیازی به علت ندارد. اما اگر خوب توجه کنیم درمی‌یابیم که سازنده مصنوعات انسانی، علت اصلی آن نیست. وظیفه او فقط جابه‌جایی اجزاء و نظم‌دهندگی است. اما رابطه خدا با مخلوقات این‌گونه نیست. خداوند، هم هستی‌بخش و هم نظم‌دهنده می‌باشد. به همین جهت موجودات در بقای خود نیز به خدا نیازمندند.

۲۱) ۱) مفهوم ابیات مطرح در سؤال، مشهود بودن خداوند در جهان است. یعنی هر چیزی در جهان را نشانه و آیه‌ای از آیات الهی ببینیم. این مفهوم بیانگر «نور بودن خداوند» است که با آیه شریفه ﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ ارتباط مفهومی دارد. این‌که انسان در پشت پرده ظاهر و در وراء هر چیزی، خدا را ببیند، معرفتی برتر و عمیق است که بستر اصلی حرکت به سوی این هدف، پاکی و صفای قلب است.

۲۲) ۲) گیاهان، حیوانات، ستارگان و ... همه موجودات محدودی هستند که ذهن ما می‌تواند بر آن‌ها احاطه پیدا کند و چگونگی‌شان را دریابد. در حقیقت ذهن ما گنجایش فهم چستی آن‌ها را دارد. این‌ها همه امور محدود هستند. ذات خدا نامحدود است. بنابراین در ظرف ذهن ما نمی‌گنجد. البته دین اسلام ما را به تفکر در نعمت‌ها و نشانه‌های خداوند برای شناخت صفات الهی تشویق کرده است، چراکه شناخت صفات و ویژگی‌های خداوند، از راه شناخت مخلوقاتش تا حدودی امکان‌پذیر است.

۲۳) ۲) خداوند، نور هستی است. یعنی تمام موجودات، وجود خود را از او می‌گیرند (وابستگی موجودات در پیدایش خود به خدا) و به سبب او پیدا و آشکار می‌شوند و وجودشان به وجود او وابسته است (وابستگی موجودات در بقای خود به خدا). به همین جهت هر چیزی در این جهان، بیانگر وجود خالق و آیه‌ای از آیات الهی محسوب می‌شود.

۱) ۳) این بیت بیانگر درک فقر و عجز انسان است که این مسئله، باعث می‌شود عبودیت و بندگی او به ساحت خداوند متعال افزایش یابد. به همین جهت، شایسته است همچون پیامبر اکرم ص اینگونه دعا کنیم: ﴿اللَّهُمَّ لَا تَكُنْ لِی نَفْسِی طَرَفَ عَیْنِ اِبْدَا﴾

۲) ۲) اندیشه، بهار جوانی را پر طراوت و زیبا می‌سازد، استعدادها را شکوفا می‌کند و امید به آینده‌های زیباتر را نوید می‌بخشد. علاوه بر آن می‌تواند برترین عبادت‌ها باشد. پیامبر اکرم ص در این باره می‌فرمایند: ﴿أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ اِدْمَانُ التَّفَكُّرِ فِی اللّٰهِ وَ فِی قَدْرَتِهِ﴾

۳) ۴) بیت «ما همه شیران ولی شیر علم/ حمله‌مان از باد باشد دم به دم» اشاره به فهم این دارد که ما نسبت به درگاه الهی، فقیر هستیم و نیازمند اویم. مصداق افزایش درک فقر به پیشگاه الهی این سخن پیامبر اکرم (ص) است که فرمودند: ﴿اللَّهُمَّ لَا تَكُنْ لِی نَفْسِی طَرَفَ عَیْنِ اِبْدَا﴾

۴) ۱) اگر سؤال شود که آیا می‌توان به ذات خداوند پی برد و چستی او را مشخص کرد، پاسخ منفی می‌دهیم. زیرا ذهن ما توان گنجایش و فهم چستی خداوند را ندارد. زیرا لازمه‌ی احاطه بر هر چیزی احاطه و دسترسی به آن است.

۵) ۳) نیازمندی موجودات به خداوند متعال در هر آن، ناظر به نیاز در بقا می‌باشد. که گزینۀ ۳ می‌گوید «نوا در ما ز توست» که اشاره به بقا دارد.

۶) ۱) با توجه به کلام «افضل العبادة ادمان التفکر فی اللّٰه و فی قدرته»، پیامبر (ص) برترین عبادت را، تداوم تفکر و اندیشه درباره خدا و قدرت او می‌داند.

۷) ۱) افزایش خودشناسی باعث درک بیشتر فقر و نیاز انسان به خداوند می‌شود و این امر نیز باعث افزایش عبودیت و بندگی می‌شود. که مفهوم آیه شریفه ﴿بِأَيِّهَا النَّاسُ أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللّٰهِ﴾ به فقر ذاتی مخلوقات به خداوند اشاره دارد که درک آن باعث افزایش عبودیت انسان می‌شود.

۸) ۳) لازمه شناخت هر چیزی احاطه و دسترسی به آن است. ما به دلیل محدود بودن ذهن خود نمی‌توانیم ذات امور نامحدود را تصور کنیم و چگونگی وجودشان را دریابیم. حقیقت خداوند نامحدود است در نتیجه ذهن ما نمی‌تواند به حقیقت او احاطه پیدا کند و ذاتش را شناسایی نماید. بنابراین با اینکه ما به وجود خداوند به عنوان آفریدگار جهان پی می‌بریم و صفات او را می‌شناسیم، اما نمی‌توانیم ذات و چستی او را دریابیم.

۹) ۱) هستی یا صفات خداوند موصوف به ممکن است.

چستی یا ذات خداوند موصوف به ناممکن است.

۱۰) ۳) به دلیل اینکه حقیقت وجود خداوند نامحدود است، ما نمی‌توانیم آن را درک کنیم و به چستی آن پی ببریم چون لازمه شناخت هر چیزی احاطه داشتن به آن است.

۱۱) ۱) آیه مذکور به این معنی است که موجودات هستی خود را از خدا می‌گیرند پس همه موجودات در پیدایش و بقا نیازمند خداوند هستند.

به همین دلیل هر چیزی در این جهان نشانگر وجود خدا و آیه‌ای از آیات خداوند است.

۱۲) ۳) آیه شریفه ﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ به این موضوع که «هر چیزی پیش از آن‌که نشان‌دهنده خود باشد، نشان‌دهنده خالق خود است» اشاره دارد.

۱۳) ۱) با توجه به مفهوم ذکر شده پی می‌بریم که پدیده‌ها در ایجاد و بقا به پدیدآورنده نیاز دارند. در این‌جا ما به عنوان فقیر و خداوند تحت عنوان غنی مفهوم می‌گردد.

۱۴) ۱) یک موجود، فقط در صورتی برای موجود بودن به دیگری نیازمند نیست

۲۴ در مقدمهٔ دوم استدلال نیازمندی جهان در پیدایش خود به خدا می‌گوییم:

هر پدیده‌ای که وجودش از خودش نباشد، برای موجود شدن نیازمند به دیگری است.

۲۵ رابطهٔ وجود ما با وجود خداوند مانند رابطهٔ پرتوهای نور با منبع آن است.

همان‌طور که اگر خورشید نورافشانی نکند دیگر پرتوی نوری نیست، اگر خداوند نیز هستی‌بخشی نکند، دیگر موجودی در جهان باقی نخواهد ماند. خداوند در قرآن «غنی» و انسان‌ها «فقیر» و نیازمند او خوانده شده‌اند و این نسبت هیچ‌گاه تغییر نمی‌کند. انسان‌ها هر قدر که به معنای حقیقی کامل‌تر می‌شوند، فقر و نیازمندی خود به خداوند را بهتر درک می‌کند.

۲۶ قرآن کریم در آیهٔ ۱۵ سورهٔ فاطر می‌فرماید: «ای مردم شما نیازمندان

به خدا هستید و خداوند بی‌نیاز ستوده است.» براساس این آیه بی‌نیازی خداوند (گزینۀ ۱) نیازمندی مخلوقات به خداوند (گزینۀ ۳) و عدم وابستگی وجود خداوند به دیگران (گزینۀ ۴) برداشت می‌شود. گزینۀ ۲ بیانگر نیاز در بقا است در صورتی که موضوع اصلی آیه نیاز در پیدایش است.

۲۷ خداوند، نور هستی است. یعنی تمام موجودات، وجود خود را از او می‌گیرند و به سبب او پیدا و آشکار می‌شوند و وجودشان به وجود او وابسته است. به همین جهت هر چیزی در این جهان، بیانگر وجود خالق و آیه‌ای از آیات الهی محسوب می‌شود.

۲۸ در قرآن کریم، خداوند «غنی» خوانده شده است و انسان‌ها و سایر مخلوقات «فقیر» و نیازمند به او و این نسبت هیچ‌گاه تغییر نمی‌کند. هرچه انسان کمالاتی نظیر علم و قدرت کسب کند، باز هم نسبت به خداوند فقیر است. زیرا خود و همهٔ آن‌چه به دست آورده، از خدا سرچشمه می‌گیرد.

۲۹ خداوند، نور هستی است. یعنی تمام موجودات، وجود خود را از او می‌گیرند (مرحلۀ پدید آمدن) و به سبب او پیدا و آشکار می‌شوند و وجودشان به وجود او وابسته است (مرحلۀ بقا). به همین جهت هر چیزی در این جهان، بیانگر وجود خالق و آیه‌ای از آیات الهی محسوب می‌شود.

۳۰ قرآن کریم در آیهٔ ۱۵ سورهٔ فاطر می‌فرماید: «ای مردم! شما نیازمندان به خدا هستید و خداوند بی‌نیاز ستوده است.» این آیه بیانگر نیازمندی همهٔ مخلوقات در وجود و هستی خود به خداوند می‌باشد که نتیجهٔ استدلال نیازمندی جهان در پیدایش خود به خدا نیز همین می‌باشد.

۳۱ خداوند، نور هستی است. یعنی تمام موجودات وجود خود را از او می‌گیرند و به سبب او پیدا و آشکار می‌شوند و وجودشان به وجود او وابسته است. هم‌چنین معرفت برتر و عمیق نسبت به خداوند این است که انسان در پشت پردهٔ ظاهر و در ورای هر چیز خدا را ببیند.

۳۲ دین اسلام ما را به تفکر در نعمت‌ها و نشانه‌های خداوند (هستی خداوند) برای شناخت صفات الهی تشویق کرده است، چرا که شناخت صفات و ویژگی‌های خداوند از راه شناخت مخلوقاتش، تا حدودی امکان‌پذیر است.

۳۳ یک موجود فقط در صورتی برای موجود بودن به دیگری نیازمند نیست که ذات و حقیقتش مساوی با موجود بودن باشد، یعنی نیستی در او راه نداشته باشد. در این صورت، چنین چیزی دیگر پدیده نیست و نیاز به پدیدآورنده ندارد و خودش همواره هست.

۳۴ انسان‌ها هر قدر که به معنای حقیقی کامل‌تر شوند، فقر و نیازمندی خود به خداوند را بهتر درک می‌کنند و بندگی و عبودیتشان در پیشگاه خداوند قوی‌تر و بیشتر می‌شود؛ پس بندگی بیشتر معلول درک بهتر نیازمندی خود به خداوند

است. هم‌چنین نیاز انسان به خداوند دائمی است و محدود به مرحلۀ بقا نمی‌باشد.

۳۵ معرفت برتر و عمیق در ورای هر چیز خدا را دیدن است که این موضوع مربوط به درک هستی خداوند است، نه چیستی او. بستر اصلی حرکت به سوی این هدف، صفای قلب است که از مصراع «دلی کز معرفت نور و صفا دید» مفهوم می‌گردد.

۳۶ هر کدام از ما، براساس فطرت خویش خدا را می‌یابیم و حضورش را درک می‌کنیم. به روشنی می‌دانیم جهانی که در آن زندگی می‌کنیم آفرینندهٔ حکیم دارد که هدایت وی پشتیبانی جهان را بر عهده دارد و به موجودات و مخلوقات مدد می‌رساند.

۳۷ خداوند در قرآن کریم راه‌های گوناگونی بر اعتلای ثمرۀ فطرت انسان و درک بهتر وجود خداوند پیشنهاد می‌کند که یکی از آنها، تفکر دربارهٔ نیازمند بودن جهان، در پیدایش خود، به آفریننده و خالق است.

۳۸ درک نیازمندی خود به خداوند از راه‌های رسیدن به معرفت عمیق نسبت به ذات خداوند است. آیهٔ شریفه ﴿يا أيها الناس انتم الفقراء الى الله﴾ به نیازمندی ذاتی انسان اشاره دارد.

۳۹ هر پدیده‌ای برای به وجود آمدن به یک پدیدآورنده نیاز دارد که این مفهوم از دقت در آیهٔ شریفه ﴿الله نور السماوات والارض﴾ به‌دست می‌آید.

۴۰ خداوند هستی‌بخش به پدیده‌های عالم است، و همه پدیده‌ها نور و هستی خود را از او می‌گیرند که از آیهٔ شریفه ﴿الله نور السماوات والارض﴾ این مفهوم را می‌رساند.

۴۱ شعر «ذات نایافته از هستی بخش / چون تواند که بود هستی بخش» مبین ضرورت وجود هستی‌آفرین (هستی‌بخش) است.

آیهٔ شریفه ﴿والله هو الغنی الحمید﴾ به غنی بودن و بی‌نیازی خداوند اشاره دارد که از صفات هستی‌بخش است.

۴۲ یک موجود فقط در صورتی در وجود نیازمند دیگری نیست که ذاتاً خودش موجود باشد. در این صورت چنین چیزی دیگر پدیده نیست و نیاز به پدید آورنده نخواهد داشت و نیستی در او راه ندارد؛ همواره بوده است و همواره خواهد بود.

۴۳ آیهٔ مذکور به نیازمندی ذاتی مخلوقات در برابر غنای ذاتی خداوند اشاره دارد. و به این موضوع اشاره می‌کند که «پدیده‌های جهان برای موجود شدن نیازمند پدیدآورنده‌ای هستند که وجودش از خودش باشد.»

۴۴ به علت غنای ذاتی خداوند، هیچ‌کدام از موجودات توانایی از بین بردن او را ندارند، زیرا موجود برای موجود شدن نیازمند خداوند است.

۴۵ ﴿انتم الفقراء الى الله﴾ به نیاز ذاتی انسان به خداوند اشاره دارد که علیت برای آیهٔ شریفه ﴿یسألُه من فی السماوات والارض﴾ که به درخواست دائمی پدیده‌ها از خداوند اشاره دارد، می‌باشد.

۴۶ شعر مذکور از جامی به نیازمندی انسان به خداوند در خلقت و فقر انسان اشاره دارد که با آیهٔ شریفه ﴿انتم الفقراء الى الله﴾ هم مفهوم است.

۴۷ ﴿کل یوم هو فی شأن﴾: او همواره دست‌اندر کار امری است؛ اشاره به ابتکار و نوآوری مستمر در خلقت دارد. قدم‌گذاری در مسیر معرفت و حکمت این است که انسان با هر چیزی خداوند را ببیند که از حدیث حضرت علی (ع) «ما رأیت ...» مفهوم می‌گردد.

۴۸ آیهٔ ﴿یسألُه من ...﴾ به فیض رسانی لاینقطع خداوند اشاره دارد.

۴۹ ترجمه آیهٔ مذکور: «هر آنچه در آسمان‌ها و زمین است، پیوسته از او درخواست می‌کند. او همواره دست‌اندر کار امری است.» می‌باشد، پس یکپارچگی مخلوقات جهان در فقر نسبت به خدا و درخواست‌های دائمی از خدا مستفاد می‌گردد.

# دین و زندگی

(۲)

روزها فکر من این است و همه شب سخنم  
که چرا غافل از احوال دل خویشتم  
از کجا آمده‌ام آمدنم بهر چه بود  
به کجا می‌روم آخر نمایی وطنم

«مولوی»

**۹۱۶** ۲ اشکال مهم مربوط به پاسخ احتمالی و مشکوک آن است که این‌گونه پاسخ‌ها نیازمند تجربه و آزمون هستند. درحالی که عمر محدود آدمی برای چنین تجربه‌ای کافی نیست، به‌خصوص که راه‌های پیشنهادی هم بسیار زیاد و گوناگون‌اند.

**۹۱۷** ۲ وظیفه پیامبران توأم با تبشیر و انذار است ﴿رَسُولاً مَّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ﴾ و با ارسال رسولان بر مردم اتمام حجت شد ﴿لئلا يكون للناس على الله حجة﴾

**۹۱۸** ۱ براساس فرمایش امام کاظم (ع) خداوند رسولانش را به سوی بندگان نفرستاد جز برای آن‌که بندگان در پیام الهی تعقل کنند و کسانی این پیام را بهتر می‌پذیرند که از معرفت برتری برخوردار باشند و آنان‌که در تعقل و تفکر برترند نسبت به فرمان الهی داناترند.

**۹۱۹** ۲ نشان از ناتوانی بشر در ارائه یک برنامه کامل و جامع دارد.

**۹۲۰** ۳ بر مبنای آیه شریفه ﴿رَسُولاً مَّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ﴾ خداوند رسولانش را به سوی بندگان نفرستاد جز برای آن‌که بندگان در پیام الهی تعقل کنند و کسانی این پیام را بهتر می‌پذیرند که از معرفت برتری برخوردار باشند و آنان‌که در تعقل و تفکر برترند نسبت به فرمان الهی داناترند.

**۹۲۱** ۲ آیه شریفه ﴿رَسُولاً مَّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ﴾ بیانگر عزت و حکمت خالق است. او اتمام حجت بر انسان را با ارسال رسولان رقم می‌زند تا اتمام حجتی برای انسان‌های دور مانده از هدایت باشد.

**۹۲۲** ۴ کشف راه درست زندگی یا چگونه زیستن، دغدغه دیگر انسان فکور و خردمند است. این دغدغه از آن رو دغدغه‌ای جدی است که انسان فقط یک‌بار به دنیا می‌آید و یک‌بار زندگی در دنیا را تجربه می‌کند؛ بنابراین در این فرصت تکرار نشدنی، باید از میان همه راه‌هایی که پیش روی اوست، راهی را برای زندگی انتخاب کند که به آن مطمئن باشد و نیازهای متعالی سبب دغدغه انسان می‌شود.

**۹۲۳** ۲ با توجه به آیه شریفه ﴿رَسُولاً مَّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ﴾، خدای متعال، پیامبران را با دو ویژگی تبشیر و انذار به دلیل اتمام حجت بر انسان مبعوث فرمود.

**۹۲۴** ۲ مطابق فرمایش امام کاظم (ع)، «کسانی پیام الهی را بهتر می‌پذیرند که از معرفت برتری برخوردار باشند.»

**۹۲۵** ۱ بیانگر هدایت همه مخلوقات است. انسان ویژگی‌هایی دارد که او را از سایر مخلوقات متمایز می‌کند و همین امر سبب تفاوت شیوه هدایت او با سایر مخلوقات شده است. یکی از ویژگی‌های انسان توانایی تفکر و انجام کارها به کمک فکر و اندیشه و دیگری قدرت اختیار و انتخاب است.

**۹۲۶** ۱ عبارت اول مربوط به نیاز «کشف راه درست زندگی» و عبارت دوم مرتبط با نیاز «شناخت هدف زندگی» می‌باشد. هم‌چنین «کشف راه درست زندگی» به عنوان یک نیاز برتر با نیاز دیگر ارتباط دقیقی دارد.

**نکته** کلید واژه‌هایی که با استفاده از آن‌ها می‌توان هر کدام از نیازهای برتر را تشخیص داد، از این قرارند:

۱) هدف (برای چه زندگی کردن) ← شناخت هدف زندگی

۲) آینده (زندگی) ← درک آینده خویش

۳) چگونه زیستن (راه زندگی) ← کشف راه درست زندگی

**۹۲۷** ۲ احتیاج دائمی انسان به داشتن برنامه‌ای که بتواند پاسخ‌گوی نیازهای او باشد و سعادت بشر را تضمین کند، سبب شده است که در طول تاریخ همواره شاهد ارائه برنامه‌های متفاوت و گاه متضاد از جانب مکاتب بشری باشیم. شعر آمده در صورت سؤال، ارتباط معنایی و مفهومی با نیاز «درک آینده خویش» دارد.

**۹۰۸** ۲ کشف راه درست زندگی دغدغه اصلی انسان‌های فکور و خردمند است چرا که ارتباط دقیقی با دو نیاز شناخت هدف زندگی و درک آینده خویش دارد.

این دغدغه از آن رو جدی است که انسان فقط یک‌بار زندگی در این دنیا را تجربه می‌کند و یک‌بار به دنیا می‌آید. از همین رو باید راهی را برگزیند که به آن مطمئن باشد و به هدف برتری که خداوند در خلقت قرار داده است برسد و دچار خسران نشود. این مفهوم از آیه ﴿ان الانسان لفي خسر الا الذين آمنوا و عملوا الصالحات﴾ برداشت می‌شود.

**۹۰۹** ۳ این ابیات نشان دهنده فرصت کوتاه انسان در این دنیا و عمر محدود او می‌باشد، در نتیجه با نیاز کشف راه درست زندگی هم‌مفهوم است چرا که این نیاز دقیقاً به دلیل محدودیت عمر، دغدغه انسان‌های فکور و خردمند است. آیه ﴿ان الانسان لفي خسر الا الذين آمنوا...﴾ نیز مربوط به ضرورت کشف راه درست زندگی است چون آدمی فقط یک‌بار به دنیا می‌آید و اگر راه درست را نیابد دچار خسران می‌شود.

**۹۱۰** ۲ - با کنار هم قرار گرفتن عقل و وحی می‌توان به پاسخ سوال‌های اساسی دست یافت.

- امام کاظم (ع) خطاب به هشام‌بن حکم فرمودند: «ای هشام، خداوند رسولانش را به سوی بندگان نفرستاد جز برای آن‌که بندگان در پیام الهی تعقل کنند... آن کس که عقلش کامل‌تر است رتبه‌اش در دنیا و آخرت بالاتر است.»

**۹۱۱** ۳ با توجه به آیات سوره عصر ﴿ان الانسان لفي خسر الا الذين آمنوا و عملوا الصالحات و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر﴾ افرادی که ایمان بیاورند و عمل صالح انجام دهند دچار خسران و زیان نمی‌شوند.

**۹۱۲** ۱ انسان همچون سایر موجودات زنده، یک دسته نیازهای طبیعی و غریزی دارد؛ خداوند پاسخ به این نیازها را در جهان خلقت آماده کرده و راه آگاه شدن از آن‌ها را به انسان نشان داده است (نادرستی گزینه‌های ۲ و ۴).

اما نیازهای انسان منحصر به نیازهای طبیعی و غریزی نمی‌شود؛ دسته‌ای از نیازها از اهمیت بیشتری برخوردار هستند. نیازهایی که بر آمده از سرمایه‌های ویژه‌ای است که خداوند به انسان عطا کرده است و پاسخ صحیح به این نیازهای اساسی است که سعادت انسان را تضمین می‌کند.

**۹۱۳** ۴ امام کاظم (ع) خطاب به شاگرد خود، هشام‌بن حکم فرمودند: «ای هشام، خداوند رسولانش را به سوی بندگان نفرستاد، جز برای آنکه بندگان در پیام الهی تعقل کنند. کسانی این پیام را بهتر می‌پذیرند که از معرفت برتری برخوردار باشند و آنان‌که در تعقل و تفکر برترند، نسبت به فرمان‌های الهی داناترند و آن کس که عقلش کامل‌تر است، رتبه‌اش در دنیا و آخرت بالاتر است.»

خداوند برنامه هدایت انسان را که دربرگیرنده پاسخ به سوالات بنیادین بشر است، از طریق پیامبران می‌فرستد، تا انسان‌ها با تفکر در این برنامه و پی بردن به ویژگی‌ها و امتیازات آن، با اختیار خود این برنامه را انتخاب کنند و در زندگی به کار بندند و به هدفی که خداوند در خلقت آنها قرار داده است، برسند.

**۹۱۴** ۳ کشف راه درست زندگی که از نیازهای انسان می‌باشد خود را در سؤال «چگونه زیستن» نشان می‌دهد و قابل اعتماد بودن و همه‌جانبه بودن از ویژگی‌های پاسخ‌های داده شده به پرسش‌های مربوط به نیازهای بنیادین می‌باشد.

**۹۱۵** ۱ خداوند براساس آیه شریفه ﴿لئلا يكون للناس على الله حجة﴾، «تا حجت را بر مردم تمام کند» با ارسال رسولان با آدمی اتمام حجت می‌کند و راه بهانه‌گیری را به روی او مسدود می‌سازد.

**۹۳۵** ۲ تمام موارد، به‌جز گزینه (۲) صحیح است، زیرا با کنار هم قرار دادن عقل و وحی می‌توان به پاسخ سؤال‌های اساسی دست یافت.

**۹۳۶** ۲ انسان مانند سایر موجودات یک دسته نیازهای طبیعی و غریزی دارد که خداوند پاسخ به این نیازها را در جهان خلقت آماده کرده و راه آگاه شدن از آن‌ها را به انسان نشان داده است.

نیازهای انسان منحصر به نیازهای طبیعی و غریزی او نمی‌شود.

**۹۳۷** ۲ پاسخ به همه نیازهای برتر انسان از عهده کسی برمی‌آید که از جهان دیگر و عاقبت انسان آگاه است و کشف راه درست زندگی جامع نیازهای برتر می‌باشد.

**۹۳۸** ۳ این‌که انسان با سؤالاتی چون «اگر حیات به شکل دیگری ادامه یابد، نحوه زندگی پس از مرگ چگونه خواهد بود؟» و «زاد و توشه سفر به آخرت چیست؟»، برگرفته از نیاز «درک آینده خویش» است.

هم‌چنین در بیت «از کجا آمده‌ام، آمدنم بهر چه بود / به کجا می‌روم آخر نمایی وطنم» به دنبال پاسخ به این نیاز هستیم. سؤال «خوشبختی انسان در دنیا در گرو انجام چه کارهایی است؟» به نیاز «درک آینده خویش» ارتباطی ندارد، زیرا این نیاز مرتبط با امور جهان دیگر و سرای آخرت است.

**۹۳۹** ۲ نیازهای مهم‌تر انسان برآمده از سرمایه‌های ویژه‌ای است که خداوند به انسان عطا کرده است و امام سجاد (ع) در دعای خود می‌فرماید: «خدا یا ایام زندگانی مرا به آن چیزی اختصاص بده که مرا برای آن آفریده‌ای.»

**۹۴۰** ۱ درک راه درست زندگی یا «چگونه زیستن» همان نیاز به کشف راه درست زندگی است که در آیات شریفه سوره عصر به همین امر اشاره شده است.

**۹۴۱** ۱ آب، اساس زندگی جهان هستی: در آیه شریفه «لنحیی به بلدة میتا» آمده است.

اکسیر حیات آدمیان یا حیاة طیبه یا همان عامل حیات روح بشر در آیه شریفه «استجیبوا لله و للرسول» آمده است.

**۹۴۲** ۳ تذکر تسدید راه بهانه جویی انسان‌ها همان اتمام حجت است که از مفهوم آیه شریفه «عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ» برداشت می‌شود.

**۹۴۳** ۳ نیازهای انسان منحصر و تقسیم به نیازهای طبیعی و غریزی او نمی‌شود بلکه اگر اندکی از سطح زندگی روزمره فراتر رود و در افق بالاتری بیندیشد خود را با نیازهایی مهم‌تر روبه‌رو می‌بیند.

**۹۴۴** ۲ طبق آیه «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ» سوره عصر، انسان در خسران است مگر کسانی که «آمنوا» یعنی ایمان آوردند و «عملوا الصالحات» یعنی عمل صالح انجام دادند و کشف راه درست زندگی دغدغه انسان‌های فکور و خردمند است.

**۹۴۵** ۱ در سوره عصر خداوند می‌فرماید: «وَتَوَاصُوا بِالْحَقِّ وَتَوَاصُوا بِالصَّبْرِ» یعنی سفارش می‌کند به حق و صبر کردن که اشاره به کشف راه درست زندگی از نیازهای برتر انسان دارد.

**۹۴۶** ۲ یکی از ویژگی‌های پاسخ به سؤال‌های بنیادین انسان آن است که کاملاً درست و قابل اعتماد باشد؛ زیرا هر پاسخ احتمالی و مشکوک نیازمند تجربه و آزمون است.

**۹۴۷** ۲ دعای شریف از امام سجاد (ع): «خدا یا، ایام زندگانی مرا به آن چیزی اختصاص بده که مرا برای آن آفریده‌ای.» پیرامون نیاز به شناخت هدف زندگی از نیازهای برتر انسان است.

**۹۴۸** ۲ هر مخلوقی متناسب با ویژگی‌هایی که خداوند در وجودش قرار داده است، هدایت می‌شود.

**نکته** بخش اول گزینه‌های (۱) و (۳) نادرست است، زیرا در مورد نیاز برتر «شناخت هدف زندگی» توضیح می‌دهد و نه علت ارائه برنامه‌های متفاوت از جانب مکاتب بشری.

**۹۳۸** ۳ در سوره عصر می‌خوانیم «سوگند به عصر که واقعاً انسان دستخوش زیان است، مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده و همدیگر را به حق سفارش و به شکیبایی توصیه کرده‌اند.» آیه «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصُوا بِالْحَقِّ وَتَوَاصُوا بِالصَّبْرِ» نجات‌یافتگان از خسران و راه‌های نجات را معرفی می‌کند و آیه «وَالعصر إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ» بیانگر زیان و خسارتی است که همواره انسان را تهدید می‌کند.

**۹۳۹** ۳ پاسخ به سؤال‌های اساسی باید کاملاً درست و قابل اعتماد باشد، زیرا هر پاسخ احتمالی و مشکوک نیازمند تجربه و آزمون است و هم‌چنین همه‌جانبه باشد، به طوری که به نیازهای مختلف انسان به صورت هماهنگ پاسخ دهد و ابعاد جسمی، روحی، فردی، اجتماعی، دنیوی و اخروی را شامل شود. انسان از آن‌رو که فقط یک‌بار به دنیا می‌آید و یک‌بار زندگی را تجربه می‌کند، راه زندگی یا «چگونه زیستن» برای او از اهمیت بالایی برخوردار است و دغدغه‌های جدی برای او محسوب می‌شود.

**۹۴۰** ۲ زمانی که انسان اندکی از سطح زندگی روزمره فراتر رود و در افق بالاتری بیندیشد، خود را با نیازهای مهم‌تری روبه‌رو می‌بیند، نیازهایی که برآمده از سرمایه‌های ویژه‌ای است که خداوند به او عطا کرده است.

#### بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) انسان هم‌چون سایر موجودات زنده دارای نیازهای طبیعی و غریزی است.

(۳) پاسخ صحیح به نیازهای اساسی انسان سعادت او را تضمین می‌کند، نه هرگونه پاسخی.

(۴) ابعاد جسمی و روحی، فردی و اجتماعی، دنیوی و اخروی انسان ارتباط کامل و تنگاتنگی با هم دارند.

**۹۳۱** ۳ در نیاز «شناخت هدف زندگی»، انسان می‌داند اگر هدف حقیقی خود را نشناسد و یا در شناخت آن دچار خطا شود، عمر خود را از دست داده است. نیازهای انسان منحصر به نیازهای طبیعی و غریزی او نمی‌شود و زمانی که از سطح زندگی روزمره فراتر رود، با نیازهایی مهم‌تری روبه‌رو است.

**۹۳۲** ۴ صورت سؤال بیانگر نیاز «کشف راه درست زندگی» و یا «چگونه زیستن» است. بیت سعدی نیز به عمر کوتاه ما و این‌که فرصت کافی برای آزمون و خطا نداریم و باید درست‌ترین راه را انتخاب کنیم، اشاره دارد.

#### بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) دعای امام سجاد (ع) در ارتباط با «شناخت هدف زندگی» است.

(۲) آیات سوره عصر در ارتباط با انسان‌هایی است که در پاسخ به نیازهای اساسی خود به خطا رفته و دچار خسران شده‌اند.

(۳) این بیت در ارتباط با نیاز «درک آینده خویش» است.

**۹۳۳** ۱ نیازهای انسان منحصر به نیازهای طبیعی و غریزی او نمی‌شود. زمانی که انسان از سطح زندگی روزمره فراتر رود، با نیازهای مهم‌تری روبه‌رو می‌شود که برآمده از سرمایه‌های ویژه‌ای است که خداوند به او عطا کرده است.

سایر گزینه‌ها به نیازهای برتر انسان اشاره دارند.

**۹۳۴** ۳ هدایت انسان مطابق با دو ویژگی توانایی تفکر و قدرت انتخاب او صورت می‌گیرد؛ یعنی خداوند برنامه هدایت انسان را از طریق پیامبران می‌فرستد تا انسان‌ها با تفکر در این برنامه و پی بردن به امتیازات آن، با اختیار خود این برنامه را انتخاب کنند.

**۹۶۶** ۱ لازمۀ این که انسان خود را با نیازهای اساسی زندگی رو به رو ببیند آن است که اندکی از سطوح زندگی روزمره فراتر برود و در افق بالاتری بیندیشد.

**۹۶۷** ۱ کشف راه درست زندگی از نیازهای بنیادین یا برتر است که به دغدغه تبدیل می شود.

این نیازهای برتر سرمایه ویژه الهی به انسان اند. (سرمایه ویژه خدادادی)

**۹۶۸** ۲ **تذکر** مطمئن بودن راه (کشف راه درست زندگی) به علت تنها یکبار زندگی کردن انسان، همان ممانعت از تباهی عمر گران بها است.

**۹۶۹** ۱ مصراع اول، آمدنم بهر چه بود، به هدف اشاره دارد و مصراع دوم، آخرینمایی وطنم، به آینده اشاره می کند.

**۹۷۰** ۲ دغدغۀ انسان های فکور و خردمند، کشف راه درست زندگی است.

**۹۷۱** ۴ پاسخ مناسب به نیازهای بنیادین و برتر انسان، درست، قابل اعتماد بودن و همه جانبه بودن آن است.

**۹۷۲** ۳ راه باید درست و قابل اعتماد باشد زیرا عمر محدود آدمی اجازه آزمون آن راه را به ما نمی دهد.

پاسخ باید همه جانبه باشد زیرا ابعاد آدمی ارتباط کامل و تنگاتنگ (انفصال ناپذیری) با یکدیگر دارند.

**۹۷۳** ۲ پاسخ دو ویژگی دارد و آزمون پاسخ مربوط به درست و قابل اعتماد بودن آن است.

**۹۷۴** ۲ پاسخ و راه آگاه شدن این نیازها را خدا به انسان نشان داده است.

**تذکر** ۱ افق بالاتر، اختصاص به انسان و از بین مردم آرامش مربوط به خواص به نیازهای برتر است.

**۹۷۵** ۳ معرفت برتر علت برای پذیرش بهتر پیام الهی است.

**۹۷۶** ۲ عقل کامل تر علت برای رتبه بالاتر در دنیا و آخرت است.

**۹۷۷** ۲ تجربه یکباره زندگی همان شاخه اول کشف راه درست زندگی است.

تمام سؤالات مرتبط با آخرت به شناخت آینده خویش و درک آینده خویش مربوط است.

**۹۷۸** ۱ پاسخ صحیح به نیازهای برتر عامل سعادت انسان است.

**تذکر** ۱ نیازهای اساسی یا بنیادین، همان نیازهای برتراند.

**۹۷۹** ۴ هدف ارسال رسل تعقل بندگان در پیام الهی است.

**۹۸۰** ۴ خداوند در سوره شریفه عصر به زمان و تاریخ بشر قسم خورده است و دلیل خسران انسان ها در زندگی، نتیجه گذشتن زمان عمر آن هاست.

**۹۸۱** ۳ خداوند هر مخلوق را متناسب با ویژگی های درونش هدایت می کند.

**تذکر** ۱ آیه ﴿خلق فسوی - قدر فهدی﴾ به هدایت با توجه به ویژگی های خاص هر مخلوق نیز به این سؤال مربوط است.

**۹۸۲** ۱ دو تفاوت انسان، تفکر و اختیار است.

**۹۸۳** ۲ **تذکر** برنامه هدایت ویژه انسان شامل: تفکر در برنامه ارسالی خداوند و انتخاب توأم با اختیار آن است و تنها گزینه (۲) هم به عقل (تفکر کردن) هم به رسول (برنامه ارسالی از جانب خداوند) و هم به اختیار اشاره دارد؛ لذا پاسخ صحیح گزینه (۲) است.

### بررسی سایر گزینه ها:

گزینه (۱): به تفکر و عقل اشاره ندارد.

گزینه (۳): به اختیار اشاره ندارد.

گزینه (۴): به تفکر و عقل و اختیار اشاره ندارد.

**۹۴۹** ۲ خداوند برنامه هدایت انسان را از طریق پیامبران به انسان ابلاغ می کند (می رساند) و انسان با کسب معرفت و تشخیص بایدها و نبایدها، راه صحیح زندگی را می یابد و پیش می رود.

**۹۵۰** ۴ بر اساس فرمایش امام کاظم (ع) بالاتر بودن رتبه انسان در دنیا و آخرت، معلول کامل تر بودن عقل است و آنان که در تعقل و تفکر برترند، نسبت به فرمان الهی داناترند.

**۹۵۱** ۳ انسان با کمک عقل خود در پیام الهی تفکر می کند. هم چنین هر مخلوقی متناسب با ویژگی هایی که خداوند در وجودش قرار داده است، هدایت می شود.

**۹۵۲** ۳ با توجه به ترجمه آیه شریفه، خداوند با ارسال پیامبران بشارت دهنده و انذار کننده، حجت را بر انسان تمام کرده است که این از عزت و حکمت خدا نشأت می گیرد.

**۹۵۳** ۲ تضمین بودن سعادت انسان معلول پاسخ صحیح به نیازهای اساسی است و نیازهای انسان منحصر به نیازهای طبیعی و غریزی نمی شود.

**۹۵۴** ۱ خداوند همه مخلوقات را هدایت می کند، اما شیوه هدایت مخلوقات متفاوت است.

**۹۵۵** ۲ خداوند همه مخلوقات را هدایت می کند، اما شیوه هدایت مخلوقات متفاوت است. توضیح آن که هر مخلوقی، متناسب با ویژگی هایی که خداوند در وجودش قرار داده است، هدایت می شود.

**۹۵۶** ۴ احتیاج دائمی انسان به داشتن برنامه ای که بتواند پاسخگوی نیازهای او باشد و سعادت بشر را تضمین کند، سبب شده است که در طول تاریخ همواره شاهد ارائه برنامه های متفاوت و گاه متضاد از جانب مکاتب بشری باشیم.

**۹۵۷** ۲ پاسخ های سؤالات بنیادین انسان باید دارای دو ویژگی قابل اعتماد و همه جانبه بودن باشد و انسان با کسب معرفت و تشخیص بایدها و نبایدها راه صحیح زندگی را می یابد و پیش می رود.

**۹۵۸** ۳ آیه شریفه ﴿رسلا مبشرین و منذرین لئلا یکون للناس علی الله حجة...﴾ بهانه جویی افراد بی توجه به نیازهای بنیادین انسان را منتفی می سازد.

**۹۵۹** ۴ بر اساس فرمایش امام کاظم (ع)، «خداوند رسولاتش را به سوی بندگان نفرستاد، جز آن که بندگان در پیام الهی تعقل کنند و آنان که در تعقل و تفکر برترند، نسبت به فرمان های الهی داناترند.»

**۹۶۰** ۲ «کشف راه درست زندگی» از دقت در آیه شریفه ﴿ان الانسان لفی خسر الا الذین امنوا و عملوا الصالحات﴾ و «نبودن دستاویز برای انسان در روز قیامت» به آیه ﴿رسلا مبشرین و منذرین لئلا یکون للناس علی الله حجة﴾ اشاره دارد.

**۹۶۱** ۳ تابع درک نیازهای برتر: فراتر رفتن، افق بالاتر.

متبوع نیازهای برتر: دل مشغولی

**۹۶۲** ۳ آیه شریفه ﴿یا ایها... لما یحییکم﴾ اشاره به حیا طیبه دارد.

**۹۶۳** ۱ تنها گزینه (۱) به عمر گذران و هشدار به دریایی این عمر اشاره دارد.

### بررسی سایر گزینه ها:

گزینه (۲): ارسال رسولان

گزینه (۳): آب مایه حیات است

گزینه (۴): اتمام حجت بر انسان

**۹۶۴** ۱ چگونه زیستن مربوط به کشف راه درست زندگی است. آیه شریفه ﴿والعصر...﴾ بیانگر تحذیر خداوند نسبت به آن است.

**۹۶۵** ۳ نیاز به آب و غذا از نیازهای طبیعی (غریزی) انسان است.

**تذکر** نام دیگر نیازهای غریزی، نیازهای طبیعی است.



# دین و زندگی

(۱)

تا در طلب گوهر کانی، کانی  
تا در هوس لقمهٔ نانی، نانی  
این نکتهٔ رمز اگر بدانی، دانی  
هر چیز که در جستن آنی، آنی

«مولوی»

۲۲۵۰) بیت صورت سوال به ضرورت انتخاب هدف جامع اشاره می‌کند که توضیح آن در گزینه ۳ ذکر شده است و هم مفهوم هستند.

۲۲۵۱) آیه ﴿و ما خلقنا السماوات و الارض و ما بینهما لالعین ما خلقناهما الا بالحق﴾ به خوبی دلالت بر این دارد که جهان آفرینش بی‌هدف نیست و هر موجودی بر اساس برنامه حساب شده‌ای به این جهان گام نهاده است و به سوی هدف حکیمانه‌ای در حرکت است.

۲۲۵۲) برخی از هدف‌ها به گونه‌ای هستند که هدف‌های دیگر را نیز در بر دارند و رسیدن به آن‌ها مساوی رسیدن به هدف‌های دیگر نیز هست و به میزانی که هدف ما برتر و جامع‌تر باشد، هدف‌های بیشتری را در درون خود جای می‌دهند. این افراد با انتخاب عبادت و بندگی خدا به عنوان هدف، با یک تیر چند نشان می‌زنند. آیه ﴿من کان یرید ثواب الدنیا فعند الله ثواب الدنیا و الآخرة﴾ کاملاً هم‌مفهوم با انتخاب اهداف جامع می‌باشد که معنای این آیه در گزینه ۲ آمده است.

۲۲۵۳) برخی از هدف‌ها به گونه‌ای هستند که هدف‌های دیگر را نیز در بر دارند و رسیدن به آن‌ها مساوی رسیدن به هدف‌های دیگر نیز هست و به میزانی که هدف ما برتر و جامع‌تر باشد، هدف‌های بیشتری را در درون خود جای می‌دهند. این افراد با انتخاب عبادت و بندگی خدا به عنوان هدف، با یک تیر چند نشان می‌زنند.

آیه ﴿من کان یرید ثواب الدنیا فعند الله ثواب الدنیا و الآخرة﴾ کاملاً هم‌مفهوم با انتخاب اهداف جامع می‌باشد.

۲۲۵۴) خلقت حکیمانه خداوند همان هدفمندی جهان آفرینش و برنامه حساب شده برای هر موجود است؛ جهل و نادانی ریشه کار بیهوده است.  
# حکمت الهی کار عبث و بازی

۲۲۵۵) هدف از آفرینش یا سؤال «ما برای چه به وجود آمده‌ایم؟» یک سؤال مهم و حیاتی است. و هدف انسان‌های زیرک جامع است یعنی خدا است. ﴿فعند الله ثواب الدنیا و الآخرة﴾

۲۲۵۶) حق در آیه ﴿وما خلقنا... إلا بالحق﴾ مبین هدفمندی مجموعه آفرینش است.

۲۲۵۷) ﴿للعین﴾ یا بازچه نبودن همان دور بودن از عبث آفرینی است و بیانگر هدفمندی آفرینش است. دقت کنید که گزینه ۲ فقط بیانگر هدفمندی انسان و جن است نه کل آفرینش.

۲۲۵۸) کلمه ﴿آل بالحق﴾ مبین هدفمندی آفرینش است.

۲۲۵۹) نظاممندی یا منظم بودن پدیده‌ها و غایت‌مندی آن‌ها مبین حکمت و تدبیر الهی است که مجموعه هدفمند در آیه ﴿... الا بالحق﴾ روشن شده است.

۲۲۶۰) موضوع آیه ﴿فعند الله...﴾ چند نشان زدن با یک تیر (هم دنیا و هم آخرت) و انتخاب هدف جامع است.

ما ﴿بینهما لالعین﴾ یا بازچه نبودن همان حکیمانه بودن و هدف داری خلقت است.

۲۲۶۱) قرآن کریم در آیات ۳۸ و ۳۹ سوره دخان می‌فرماید: «و ما آسمان‌ها و زمین و آنچه بین آن‌هاست را به بازچه نیافریدیم، آن‌ها را جز به حق خلق نکردیم.» حق بودن آفرینش آسمان‌ها و زمین در این آیه به معنای هدف‌دار بودن خلقت آن‌هاست. این آیه به خوبی دلالت بر این دارد که جهان آفرینش بی‌هدف نیست و هر موجودی براساس برنامه‌ای حساب شده به این جهان گام نهاده است و به سوی هدف حکیمانه‌ای در حرکت است.

۲۲۶۲) برای انتخاب صحیح هدف‌ها و دل بستن به آن‌ها نیازمند معیار و ملاک هستیم. دست‌یابی به برترین هدف یعنی بندگی خدای متعال، به همان میزان که بزرگ و ضامن خوشبختی ماست، همت بزرگ و اراده محکم می‌طلبد.

۲۲۶۳) آیه شریفه ﴿و ما خلقنا السماوات و الارض و ما بینهما لالعین...﴾، «و ما آسمان‌ها و زمین و آنچه بین آن‌هاست را به بازچه نیافریدیم.» بیانگر نفی عدم هدفمندی آفرینش و نفی بازچه بودن آن می‌باشد.

۲۲۶۴) انسان دارای روحیه‌ای بی‌نهایت طلب است و عطش او در دستیابی به خواسته‌هایش نه تنها کم نمی‌شود، بلکه روز به روز افزون می‌گردد و ثابت نیست.

۲۲۶۵) هر کس با نگاه و اندیشه خاص خود به سراغ هدفی می‌رود. اگر کسی چنین بیندیشد که کمک به دیگران ارزشمند است، و می‌تواند روحیه بی‌نهایت طلب او را سیراب کند و پاسخگوی استعدادهای گوناگونش باشد. می‌کوشد به دیگران کمک کند. کسی هم که فکر می‌کند داشتن شهرت مهم است، همه زندگی خود را در مسیر رسیدن به آن قرار می‌دهد. کسی هم که کمالات و خوبی‌ها را شناخته، به آن‌ها دل می‌بندد و برای رسیدن به آن‌ها می‌کوشد. در نتیجه اختلاف انسان‌ها در انتخاب اهداف، ریشه در نوع نگاه و اندیشه آن‌ها دارد و به همین دلیل تلاش برای رسیدن به کمالات و خوبی‌های متعالی و بزرگ معلول شناخت آن‌هاست.

۲۲۶۶) بیت مطرح شده در صورت سؤال، بیانگر اهمیت انتخاب هدفی است که شامل تمام اهداف خوب دیگر نیز باشد. آیه شریفه ﴿من کان یرید ثواب الدنیا فعند الله ثواب الدنیا و الآخرة﴾، «هر کس نعمت و پاداش دنیا را بخواهد، نعمت و پاداش دنیا و آخرت نزد خداست.» نیز بیانگر این پیام است که با انتخاب بندگی خداوند به عنوان هدف اصلی، به سایر اهداف که شامل اهداف دنیوی و اخروی است، خواهیم رسید.

۲۲۶۷) «حق» بودن آفرینش آسمان‌ها و زمین به معنای هدف‌داری خلقت آن‌هاست؛ زیرا خالق آن‌ها خدای حکیم است که هیچ کاری را بیهوده انجام نمی‌دهد.

۲۲۶۸) هدف‌ها و دل‌بستگی‌های پایان پذیر مانند مال و ثروت، هدف‌های فرعی به شمار می‌آیند و هدف‌های پایان ناپذیر و همیشگی مانند خیرخواهی نسبت به دیگران، هدف اصلی محسوب می‌شوند. البته، هر دوی این اهداف خوب‌اند و برای زندگی ما ضروری‌اند. مهم این است که هدف فرعی را به جای هدف اصلی قرار ندهیم و آن‌قدر به اهداف فرعی دل نیندیم که مانع رسیدن به هدف اصلی شود.

۲۲۶۹) با توجه به آیه شریفه ﴿هر کس نعمت و پاداش دنیا را بخواهد، نعمت و پاداش دنیا و آخرت نزد خداست.﴾ درمی‌یابیم با انتخاب بندگی خداوند به عنوان هدف اصلی، به سایر اهداف دنیوی و اخروی نیز خواهیم رسید؛ پس بعضی از هدف‌ها به گونه‌ای هستند که هدف‌های دیگر را نیز دربردارند.

۲۲۷۰) همه موجودات آفرینش دارای هدف هستند؛ پس در برخورداری از هدف یکسان می‌باشند؛ اما در چگونگی رسیدن به هدف، میان انسان و موجوداتی هم‌چون حیوانات و گیاهان تفاوت‌هایی وجود دارد.

۲۲۷۱) دست یافتن به پاسخ این سؤال که «ما انسان‌ها برای چه آفریده شده‌ایم و هدف از زندگی ما در این جهان چیست؟» بسیار مهم و حیاتی است و تفاوت انسان با سایر موجودات در این است که انسان خود هدف را انتخاب می‌کند، روحیه بی‌نهایت طلب دارد و استعدادهای متنوع مادی و معنوی دارد.

۲۲۷۲) افراد زیرک می‌دانند که برخی از هدف‌ها به گونه‌ای هستند که هدف‌های دیگر را نیز دربردارند و به میزانی که هدف ما جامع‌تر باشد، هدف‌های بیشتری را در

۲۲۸۳ ۴ از دقت در آیه شریفه ﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ...﴾، «و ما آسمان‌ها و زمین و آنچه بین آن‌هاست را به بازیچه نیافریدیم، آن‌ها را جز به حق خلق نکردیم.» هدفمندی جهان آفرینش برداشت می‌گردد که بیانگر حکیمانه بودن نظام خلقت است. **تذکر** در این آیه شریفه اشاره‌ای به هدف آفرینش نشده و تنها هدفمندی خلقت مورد تأکید قرار گرفته است. لذا فهم هدف آفرینش از آیه مطرح شده امکان‌پذیر نیست. ۲۲۸۴ ۴ با توجه به بیت صورت سؤال، خداوند سرچشمه تمام خوبی‌ها و زیبایی‌هاست و هر کمال و خوبی از او سرچشمه می‌گیرد و هدف ما باید رسیدن به سرچشمه خوبی‌ها و زیبایی‌ها که همان خداوند است، باشد.

#### بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) دنیا محدود است و رسیدن به تمام اهداف در دنیا امکان‌پذیر نیست. هم‌چنین این گزینه با مفهوم بیت ارتباط زیادی ندارد. (۲) با مفهوم بیت ارتباط زیادی ندارد.

(۳) نیاز به همت بزرگ و اراده محکم از مفهوم شعر برداشت نمی‌گردد.

۲۲۸۵ ۲ قرآن کریم در آیات گوناگون بر هدفمندی آفرینش تأکید می‌کند و آفرینش جهان را «حق» می‌داند. آفرینش انسان نیز هدفمند بوده است؛ هدفی که گام نهادن در این دنیا فرصتی است که برای رسیدن به آن هدف به او داده شده است. ۲۲۸۶ ۲ آفرینش هیچ یک از موجودات بی‌هدف نیست و تمام موجودات مانند انسان به سوی هدف حکیمانه‌ای در حرکت هستند.

۲۲۸۷ ۴ اختلاف در اهداف انسان‌ها، ریشه در نوع نگاه و اندیشه انسان‌ها دارد. با توجه به این اختلاف، برای انتخاب صحیح هدف نیازمند معیار و ملاک هستیم. ۲۲۸۸ ۱ انسان همواره در حال انتخاب هدف‌های پایان‌ناپذیر و تمام‌نشدنی است، درحالی‌که حیوانات و گیاهان هدف‌های محدودی دارند و هنگامی‌که به سرحدی از رشد و کمال می‌رسند، متوقف می‌شوند.

#### بررسی سایر عبارات‌ها:

الف) حیوانات به صورت غریزی و گیاهان به صورت طبیعی اهداف خود را دنبال می‌کنند؛ درحالی‌که در این عبارت برعکس عنوان شده است. ج) به کار بردن واژه «انتخاب» در آخر عبارت برای حیوانات و گیاهان صحیح نیست، چون این موجودات فاقد اختیار و قدرت انتخاب می‌باشند. د) آفرینش تمام موجودات، هدفمند است.

۲۲۸۹ ۱ برای این‌که بتوانیم با یک تیر چند نشان بزنیم (اهداف برتر و جامع‌تر برگزینیم)، باید به تنوع استعدادها و انسان و بی‌نهایت‌طلبی او توجه کنیم؛ زیرا هدفی جامع‌تر و کامل‌تر است که بهتر بتواند پاسخگوی این دو ویژگی باشد. ۲۲۹۰ ۳ آیه اول به هدفمندی آفرینش اشاره دارد.

و آیه دوم به چند نشان زدن با یک تیر که انسان زیرک با انتخاب خدا به عنوان هدف با یک تیر دو نشان (دنیا و آخرت) می‌زند.

۲۲۹۱ ۳ افراد زیرک مقابل این افراد (صورت سؤال) اند که با یک تیر چند نشان می‌زنند و دارایی‌ها و سرمایه‌های خود را صرف هدف‌های جامع و ارزشمند می‌کنند. آیه مربوط به یک تیر و چند نشان نیز ﴿مَنْ كَانَ يَرْيَبُ...﴾ است.

۲۲۹۲ ۲ هر موجودی آفرینش هدفمند دارد. ← با برنامه حساب شده به این جهان گام نهاده است.

مبنای برنامه حساب شده همان هدفدار بودن خلقت و حق بودن آفرینش است.

درون خود جای می‌دهد، این افراد با انتخاب عبادت و بندگی خدا به عنوان هدف با یک تیر چند نشان می‌زنند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: ﴿مَنْ كَانَ يَرْيَبُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ﴾، «هر کس نعمت و پاداش دنیا را بخواهد، نعمت و پاداش دنیا و آخرت نزد خداست.»

۲۲۷۳ ۱ در پس خلقت تک‌تک موجودات این جهان هدفی وجود داشته است؛ زیرا خالق آن‌ها خدایی حکیم است که هیچ کاری را بیهوده انجام نمی‌دهد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: ﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ﴾، «و ما آسمان‌ها و زمین و آنچه بین آن‌هاست را به بازیچه نیافریدیم.»

۲۲۷۴ ۱ در قرآن کریم، حق بودن آفرینش مخلوقات به معنای هدفدار بودن آن‌هاست. انسان برخلاف سایر موجودات، باید هدف از خلقت خود را بشناسد و آن را انتخاب کند و به سوی آن گام بردارد، یعنی حرکت او به سوی هدف اختیاری است. هم‌چنین انسان دارای روحیه‌ای بی‌نهایت طلب است و به دنبال چیزی است که هرگز پایان نپذیرد.

۲۲۷۵ ۲ از این شعر مولانا جلال‌الدین این موضوع دریافت نمی‌شود که «برخی از انسان‌ها به هدفی بالاتر از لذایذ دنیوی و سرگرمی به آن نمی‌اندیشند.»

۲۲۷۶ ۱ هر کس با بینش و نگرش خاص خود به سراغ هدفی می‌رود، اختلاف، ریشه در نوع اندیشه‌ها و تفکرات دارد و گیاهان به صورت طبیعی و حیوانات به صورت غریزی به سوی هدف خود در حرکت هستند.

۲۲۷۷ ۳ دومین تفاوت میان انسان و حیوان این است که انسان دارای روحیه‌ای بی‌نهایت طلب است و عطش او در دستیابی به خواسته‌هایش نه تنها کم نمی‌شود، بلکه روز به روز افزون می‌گردد، او به دنبال چیزی است که هرگز پایان نمی‌پذیرد و تمام نمی‌شود و تعبیر قرآنی هدفدار بودن آفرینش آسمان‌ها و زمین «حق» است ﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ﴾، «و ما آسمان‌ها و زمین و آنچه بین آن‌هاست را به بازیچه نیافریدیم، آن‌ها را جز به حق خلق نکردیم.» ۲۲۷۸ ۲ عبارات‌های «ج» و «د» صحیح می‌باشد.

#### بررسی سایر عبارات‌ها:

الف) فقط حرکت حیوانات به سوی هدف غریزی می‌باشد و حرکت گیاهان به صورت طبیعی است.

ب) عطش انسان در دستیابی به خواسته‌هایش هیچ‌گاه کاهش نمی‌یابد، بلکه روزبه‌روز افزون می‌گردد.

۲۲۷۹ ۲ هدفمندی آفرینش جهان معلول حکمت خداوند است. (حکمت خداوند علت (متبوع) هدفمند بودن است). پایان‌پذیر بودن ویژگی اختصاصی اهداف فرعی است؛ درحالی‌که هدف‌های ضروری زندگی هم شامل اهداف اصلی می‌گردد و هم فرعی. (یعنی قسمت آخر هر ۴ گزینه صحیح است.)

**تذکر** تابع = معلول = نتیجه متبوع = علت = دلیل

۲۲۸۰ ۴ حق بودن آفرینش آسمان‌ها و زمین به معنای هدفدار بودن خلقت آن‌هاست.

۲۲۸۱ ۴ با توجه به تفاوت نگاه انسان‌ها، برای انتخاب صحیح اهداف و دل‌بستن به آن‌ها نیازمند معیار و ملاک هستیم. این تفاوت نگاه در انسان‌ها و اختلاف در اهداف آن‌ها معلول (تابع) نوع نگاه و اندیشه آن‌هاست.

۲۲۸۲ ۲ اگر کسی چنین بیندیشد که کمک به دیگران ارزشمند است و می‌تواند روحیه بی‌نهایت‌طلب او را سیراب کند و پاسخ‌گوی استعدادهای گوناگونش باشد، می‌کوشد به دیگران کمک کند.

۲۲۹۳ ﴿۴﴾ شعر مذکور بیانگر ضرورت رجوع به سرچشمه خوبی‌ها به‌عنوان هدف جامع یا همان پیام آیه ﴿مَنْ كَانَ يَرِيدُ...﴾ است.

۲۲۹۴ ﴿۱﴾ صورت سؤال ترجمه آیه ﴿مَنْ كَانَ يَرِيدُ...﴾ است.

۲۲۹۵ ﴿۲﴾ هدفمند بودن خلقت تک‌تک موجودات این جهان نمایان‌گر حکیم بودن خداوند است یعنی خدایی که هیچ‌کاری را بیهوده انجام نمی‌دهد و حق بودن آفرینش آسمان‌ها و زمین به معنای هدف‌دار بودن خلقت آن‌هاست.

۲۲۹۶ ﴿۳﴾ اگر روح انسان بی‌نهایت‌طلب است و خوبی‌ها را به‌صورت بی‌پایان می‌خواهد شایسته است که تنها خدا و بندگی او را به‌عنوان هدف نهایی انتخاب کند و آیه شریفه ﴿مَنْ كَانَ يَرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ﴾ ضرورت رجوع به خدا را به‌عنوان هدف معرفی می‌کند که هرکس به دنبال سرچشمه خوبی‌ها و زیبایی‌ها است، همه آن‌ها و سرچشمه اصلی آن نزد خداوند بزرگ است.

۲۲۹۷ ﴿۳﴾ آیه شریفه ﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ...﴾ «و ما آسمان‌ها و زمین و آنچه را بین آن‌هاست به بازیچه نیافریدیم.» بیانگر هدفمندی آفرینش و نفی بازیچه‌بودن آن است.

۲۲۹۸ ﴿۳﴾ هدف‌ها و دل‌بستگی‌های پایان‌پذیر، مانند مال و ثروت، هدف‌های فرعی به‌شمار می‌آیند و هدف‌های پایان‌ناپذیر و همیشگی، مانند خیرخواهی نسبت به دیگران، هدف اصلی محسوب می‌شوند. البته، هر دوی این اهداف خوب‌اند و برای زندگی ما ضروری‌اند. مهم این است که هدف فرعی را به جای هدف اصلی قرار ندهیم و آن‌قدر به اهداف فرعی دل‌نبنندیم که مانع رسیدن به هدف اصلی شود.

۲۲۹۹ ﴿۲﴾ با توجه به ترجمه آیه شریفه «هر کس نعمت و پاداش دنیا را بخواهد، نعمت و پاداش دنیا و آخرت نزد خداست.» درمی‌یابیم با انتخاب بندگی خداوند به‌عنوان هدف اصلی، به سایر اهداف دنیوی و اخروی نیز خواهیم رسید؛ پس بعضی از هدف‌ها به‌گونه‌ای هستند که هدف‌های دیگر را نیز دربرمی‌گیرند.

۲۳۰۰ ﴿۱﴾ افراد زیرک می‌دانند که برخی از هدف‌ها به‌گونه‌ای هستند که هدف‌های دیگر را نیز دربردارند و به میزانی که هدف ما جامع‌تر باشد، هدف‌های بیشتری را در درون خود جای می‌دهد. این افراد با انتخاب عبادت و بندگی خدا به‌عنوان هدف اصلی با یک تیر چند نشان می‌زنند و در حقیقت به شعر «چون که صد آمد نود هم پیش ماست» توجه کردند. قرآن کریم در این‌باره می‌فرماید: ﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، هَر كَس نِعْمَت وَ پاداش دنیا و آخرت نزد خداست.﴾

۲۳۰۱ ﴿۳﴾ در پس خلقت تک‌تک موجودات این جهان هدفی وجود داشته است؛ زیرا خالق آن‌ها خدایی حکیم است که هیچ‌کاری را بیهوده انجام نمی‌دهد.

۲۳۰۲ ﴿۱﴾ آیات دیگر گزینه‌ها همگی مبین این هستند که خداوند، غایت و مقصد زندگی و برترین هدف انسان، رسیدن به اوست و فقط گزینه (۱) بیانگر حق بودن آفرینش جهان می‌باشد.

### پیام دیگر گزینه‌ها:

گزینه (۱) و (۴): خداوند متعال غایت و مقصد زندگی است و برترین هدف و هدف اصلی انسان، رسیدن به او و بندگی اوست.

گزینه (۳): فقط درباره خلقت صحبت کرده نه ویژگی آن

۲۳۰۴ ﴿۴﴾ هر کس با بینش و نگرش خاص خود به سراغ هدفی می‌رود. اگر کسی چنین بیندیشد که کمک به دیگران ارزشمند است، می‌کوشد به دیگران کمک کند. کسی هم که کمالات و خوبی‌های متعالی و بزرگ را شناخته، به آن‌ها دل‌می‌بندد و برای رسیدن به آن‌ها می‌کوشد. پس این اختلاف، ریشه در نوع اندیشه انسان دارد. بنابراین برای انتخاب صحیح هدف‌ها و دل بستن به آن‌ها باید ارزش هدف‌ها را مشخص کنیم و متناسب با ارزشی که دارند به آن‌ها رتبه دهیم.

۲۳۰۵ ﴿۴﴾ هر کس اندکی تأمل کند، می‌بیند که در درون خود در جست‌وجوی سرچشمه خوبی‌ها و زیبایی‌هاست و تا به آن نرسد، آرام و قرار ندارد.

۲۳۰۶ ﴿۳﴾ افراد زیرک با انتخاب خدا به‌عنوان هدف اصلی خود هم از بهره‌های مادی زندگی استفاده می‌کنند و هم از آن‌جایی که تمام کارهای دنیوی خود را در جهت رضای خدا انجام می‌دهند جان و دل خود را به خداوند نزدیک‌تر می‌کنند و سرای آخرت خویش را آباد می‌سازند و ناظر به آیه ﴿مَنْ كَانَ يَرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ﴾ می‌باشد.

۲۳۰۷ ﴿۱﴾ افراد زیرک، می‌دانند که برخی از هدف‌ها به‌گونه‌ای هستند که هدف‌های دیگر را نیز دربردارند و رسیدن به آن‌ها مساوی رسیدن به هدف‌های دیگر نیز هست، لذا آیه شریفه ﴿فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ﴾ به آن اشاره دارد و انسان می‌تواند با یک تیر چند نشان بزند. زیرا از نعمت‌های دنیوی و اخروی هر دو بهره می‌برد.

۲۳۰۸ ﴿۲﴾ بندگی است که باعث می‌شود، انسان شایسته دریافت لطف و رحمت ویژه خداوند شود و به زندگی سعادت‌مندانه در دنیا و آخرت برسد و تعبیر «یک تیر و چند نشان» در آیه ﴿مَنْ كَانَ يَرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ...﴾ مذکور است، چون هم ثواب دنیا و هم آخرت همگی نزد خدا است.

۲۳۰۹ ﴿۱﴾ نزدیکی و تقرب به خداوند به‌عنوان هدف زندگی، به همان میزان که بزرگ و ضامن خوشبختی ماست، همت بزرگ و اراده محکم می‌طلبد، همان‌طور که دستیابی به گوهرهای گران‌قدر دریاها، پشتکاری شگرف می‌خواهد.

۲۳۱۰ ﴿۲﴾ آیه «ما خلقناهما إلا بالحق» به هدفمند و حکیمانانه بودن عالم هستی اشاره دارد.

۲۳۱۱ ﴿۴﴾ رجوع شود به آیه ﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ... إِلَّا بِالْحَقِّ﴾، بازیچه نبودن آفرینش همان هدفمندی آن را بیان می‌کند که برای همه موجودات است. در صورتی‌که گزینه‌های دیگر مختص انسان می‌باشد.

۲۳۱۲ ﴿۳﴾ حق بودن آفرینش مبین حکمت الهی است.

۲۳۱۳ ﴿۲﴾ حقانیت همان هدفمندی است که مبین برنامه حساب شده موجودات و حرکت به سوی هدف آن‌هاست. دقت کنید که در سؤال هدفمندی همه عالم مورد نظر است و نه فقط انسان.

۲۳۱۴ ﴿۳﴾ حیوانات با غریزه، گیاهان به‌صورت طبیعی و انسان با قدرت انتخاب هدف خود را انتخاب می‌کند و به سمت آن حرکت می‌کند.

۲۳۱۵ ﴿۱﴾ بی‌نهایت‌طلبی یا در جست‌وجوی چیزهای بی‌پایان بودن انسان، عامل افزون شدن عطش انسان در دستیابی به خواسته‌هایش است.

انسان هرگز به حد مطلوبی برای توقف نمی‌رسد چون بی‌نهایت طلب است.

۲۳۱۶ ﴿۲﴾ اهداف حیوانات غریزی است و برخلاف انسان بعد از رسیدن به اندازه‌ای از رشد متوقف می‌شود.

۳۳۷۷ ۱ عبارت قرآنی ﴿يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ﴾ «پوشش‌های خود را به خود نزدیک سازند.» بیانگر لزوم پوشاندن اطراف صورت و گریبان توسط زنان مسلمان است. ۳۳۷۸ ۴ از آیات برمی‌آید که زنان مسلمان از ابتدا با حجاب آشنا بودند و موی سر خود را می‌پوشاندند (زیرا آیه می‌فرماید پوشش‌ها را به خود نزدیک کنید، پس معلوم می‌شود پوشش از قبل وجود داشته است) ولی با حدود و چگونگی آن آشنا نبودند. آیه شریفه ﴿يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ﴾ دستور می‌دهد که زنان حجاب خود را به خود نزدیک سازند و با رعایت حجاب کامل به عفاف شناخته شوند و از آزار آن‌ها جلوگیری شود.

۳۳۷۹ ۴ در توضیح آیه شریفه ﴿ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ...﴾ می‌خوانیم: این‌گونه پوشش سبب می‌شود که زن به عفاف و پاکی شناخته شود و افراد بی‌بندوبار که اسیر هوی و هوس خود هستند، به خود اجازه تعرض به او ندهند.

۳۳۸۰ ۳ براساس پاسخ امام صادق (ع) به یکی از یارانش که پرسیده بود: آیا ساعد زن از قسمت‌هایی است که باید از نامحرم پوشیده شود؟ امام فرمودند: «بلی، آن چه زیر روسری قرار می‌گیرد نباید آشکار شود.»

و آیه شریفه ﴿... ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ...﴾ پاسخ را مشخص می‌کند.

۳۳۸۱ ۴ رعایت حجاب سبب عدم آزار و اذیت هوسرانان و احساس حقارت آنان در برابر زنان محجبه می‌شود و این امر در آیه ﴿ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ﴾ هویدا است. ۳۳۸۲ ۴ آیه شریفه ﴿... ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ﴾ بیانگر علت حجاب و پوشش است که در گزینه (۴) یافت می‌شود و همین شناخته شدن به عفاف و مصون ماندن از آزار هوسرانان می‌باشد.

۳۳۸۳ ۲ با توجه به معنای آیه، زنان مسلمان خود را می‌پوشاندند ولی با حدود آن آشنا نبودند. لذا خداوند به آنان دستور می‌دهد روسری‌ها و پوشش‌هایشان را به خود نزدیک سازند تا اطراف صورت و گریبان آنان نیز پوشیده شود.

۳۳۸۴ ۴ امام صادق (ع) در پاسخ فضیل بن یسار فرمودند «از منج به بالا باید پوشیده شود.» بنابراین ساعد زن باید پوشیده باشد و این موضوع به صراحت حدود حجاب را مشخص می‌کند.

۳۳۸۵ ۲ پوشش و حجاب زنان در ایران باستان چنان برجسته بود که حتی برخی مورخان غربی بر این باورند که می‌توان ایران باستان را منشأ اصلی گسترش حجاب در جهان دانست و در ادیان دیگر و عموم فرهنگ‌ها پوشش زنان به صورت یک اصل پسندیده مطرح بوده، ولی تفاوت‌ها مربوط به چگونگی و حدود آن بوده است.

۳۳۸۶ ۴ آیه شریفه خطاب به زنان و دختران پیامبر (ص) و زنان مؤمنان است؛ ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ...﴾ که به عفاف شناخته شوند (ان یعرفن) و درباره نزدیک کردن پوشش به خود است ﴿يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ﴾.

۳۳۸۷ ۱ تاریخ خبر از حضور حضرت فاطمه زهرا (س) و سایر زنان مسلمان در جبهه‌های جنگ برای پرستاری و کمک به مجروحان می‌دهد و این موضوع با ادعای خانه‌نشینی کردن زنان و سلب آزادی آنان ناسازگار است، یعنی منافات دارد.

۳۳۸۸ ۳ بی‌حجابی زنان غرب جایگاهی در اندیشه مسیحیت حقیقی ندارد، بلکه بازگشتی به سنت‌های مشرکانه قبل از حضرت مسیح (ع) محسوب می‌شود.

۳۳۸۹ ۴ قرآن کریم می‌فرماید: «وظیفه مردان است که چشم خود را کنترل کنند و از نگاه به نامحرم خودداری کنند و دامان خود را از گناه نگه دارند» و سپس درباره

۳۳۶۲ ۴ تنظیم وضع ظاهری به گونه‌ای که نظر سوء دیگران را به دنبال نداشته باشد، تعریفی از آراستگی است.

۳۳۶۳ ۴ سفارش پیامبر (ص):

۱. مردان ← سبیل و موهای بینی خود را کوتاه کنید.

۲. زنان ← بلند نگه داشتن ناخن‌ها برای افزایش زیبایی

۳۳۶۴ ۴ افراط در آراستگی در قرآن کریم به نام تبرج یاد شده که امری جاهلانه است.

۳۳۶۵ ۱ دین، افراط در آراستگی را باعث غفلت از هدف اصلی زندگی می‌داند و دور شدن از خدا را به عنوان ثمره‌ای دیگر از این افراط بیان می‌کند.

۳۳۶۶ ۲ علت ارزش بیشتر عفاف زنان، بهره‌مندی بیشتر آن‌ها از نعمت زیبایی است.

۳۳۶۷ ۱ زن کانون عفاف خانواده است و بیانگر زیبایی او در هر دو بعد باطنی و ظاهری‌اش می‌باشد.

۳۳۶۸ ۱ در این دوران عموم مردم توانایی پوشش چنین لباسی را دارند (کلام امام صادق (ع))

۳۳۶۹ ۱ سیره مذکور در ارتباط با توجه به زیبایی‌های ظاهر در عین زیبایی‌های باطن می‌باشد.

۳۳۷۰ ۲ عفاف در راستای آراستگی زمانی واقع می‌شود که انسان به تبرج نیفتد. به علاوه انسان عقیف مقبولیت را در عدم جلب توجه ظاهری می‌بیند.

۳۳۷۱ ۳ سستی و ضعف در دین حاصل پوشیدن لباس نازک و بدن‌نما است و جنگ با خدا حاصل آراستن خود برای جلب توجه دیگران است.

۳۳۷۲ ۴ زن کانون عفاف خانواده است و همواره ندایی درونی او را به پاکی و پاکدامنی فرا می‌خواند. از این رو می‌کوشد آراستگی او در جامعه به گونه‌ای باشد که گوهر زیبای وجودش، از نگاه ناهلان دور بماند و روح بلندش تحقیر نشود.

۳۳۷۳ ۴ پوشش و حجاب زنان در ایران باستان چنان برجسته بود که حتی برخی از مورخان بر این باورند که می‌توان ایران باستان را منشأ اصلی گسترش حجاب در جهان دانست. در ادیان دیگر و عموم فرهنگ‌ها، پوشش زنان به صورت یک اصل پسندیده مطرح بوده و کمتر قوم و ملتی است که زنان آن پوشش مناسبی نداشته باشند. تفاوت‌ها مربوط به چگونگی و حدود آن بوده است.

۳۳۷۴ ۳ با توجه به پیام آیه شریفه ﴿...يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ﴾ نتیجه عمل به پوشش توصیه شده در این آیه، سبب می‌شود که زن به عفاف و پاکی شناخته شود و افراد بی‌بندوبار که اسیر هوی و هوس خود هستند، به خود اجازه تعرض به او ندهند.

۳۳۷۵ ۱ حجاب چگونگی پوشش زن را در اجتماع مشخص می‌کند. این حکم نه تنها سبب کاهش حضور زنان نمی‌شود، بلکه سبب می‌شود تا حضوری مطمئن و همراه با امنیت داشته باشند و از نگاه ناهلانی که در جامعه حضور دارند، ایمن باشند.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ...﴾ که این آیه هم مفهوم با حجاب و پوشش زنان در جامعه است.

۳۳۷۶ ۴ دیدن زیر چانه نامحرم، حرام است. اما دیدن صورت و روی و کف دست بلا مانع است. طبق آیه شریفه ﴿يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ﴾ جلباب (پوشش) سبب دوری زنان مسلمان از آزار و اذیت ناپاکان می‌شود.

زنان می‌فرمایند: «زنان نیز موظفانند مانند مردان از نگاه به نامحرم خودداری کنند و دامان خود را از گناه حفظ کنند».

۳۳۹۰ ۲ ثمره رعایت قوانین حجاب اسلامی و توجه به کرامت زن سلامت اخلاقی جامعه را در پی دارد و ثمره توجه دین مبین اسلام به فرهنگ اقوام و ملت‌ها عدم تعیین چگونگی و نوع پوشش را مورد توجه قرار می‌دهد.

۳۳۹۱ ۴ ثمره رعایت حجاب در مسیحیت، نزدیک‌تر شدن به دینداری است و ثمره حجاب زنان ایران باستان، منشأ اصلی گسترش حجاب در جهان می‌باشد.

۳۳۹۲ ۳ حضور حضرت فاطمه (س) و زنان مسلمان در جبهه‌های جنگ به عدم سلب آزادی زنان توسط حجاب اشاره دارد و چادر شرایط مطرح‌شده در اسلام را فراهم می‌آورد و نه در تمام ادیان.

۳۳۹۳ ۲ زنان باید علاوه بر موی سر، گریبان و گردن خود را هم بپوشانند.

۳۳۹۴ ۴ حجاب همچون امور دیگر یک وظیفه است، هرچه کامل‌تر انجام شود، نزد خدا با ارزش‌تر است و چادر تمام شروط پوشش زنان را دارد.

۳۳۹۵ ۱ حجاب سبب حضور مطمئن بانوان در جامعه می‌شود و تجربه کشور ما گواه بر این مدعاست.

۳۳۹۶ ۳ پیروان آیین یهود هم موی سر خود را می‌پوشانند و هم به حجاب پایبند بودند.

۳۳۹۷ ۴ حجاب داشتن از دیدگاه راهبه‌ها و قدیسه‌ها به دینداری نزدیک‌تر و در پیشگاه خدا پسندیده‌تر است.

۳۳۹۸ ۳ تفاوت ادیان و فرهنگ‌ها در پوشش زنان، مربوط به چگونگی و حدود آن بوده است.

۳۳۹۹ ۱ زنان موظفانند پوشش خود را به‌گونه‌ای انتخاب کنند که نازک، چسبان و تحریک‌کننده نباشد و هم‌چنین چگونگی و نوع پوشش تا حدود زیادی تابع آداب و رسوم ملت‌ها و اقوام است.

۳۴۰۰ ۳ گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴) بیانگر این است که ادعای خانه‌نشین کردن زنان و سلب آزادی آنان با نگاه قرآن و سیره پیشوایان دین ناسازگار می‌باشد، اما گزینه (۳)، اشاره به اختصاص نداشتن حجاب به مسلمانان دارد.

۳۴۰۱ ۲ اسلام تنوع و گوناگونی در پوشش را پذیرفته اما قوانینی را برای رعایت صحیح پوشش چه برای زنان و مردان توصیه کرده است. هم‌چنین بی‌حجابی زنان غرب نه تنها جایگاهی در اندیشه مسیحیت حقیقی ندارد بلکه بازگشتی به سنت‌های مشرکانه قبل از حضرت مسیح (ع) محسوب می‌شود.

۳۴۰۲ ۴ به فرموده امام کاظم (ع) دیدن دست تا مچ از بدن زن نامحرم جایز است. لذا روی دست و کف دست جایز است و چادر سبب دور شدن افراد ناپاک از زن مسلمان می‌شود.

۳۴۰۳ ۲ چه لذتی دارد که انسان فقط زندگی کوتاه دنیا را نبیند و نگاهی هم به زندگی بی‌پایان آخرت داشته باشد. همراه نبودن قافله دل‌های آلوده با انسان ثمره کنترل حجاب و عفاف است که در آیه شریفه ﴿ذَلِكَ ادنی ان يعرفن فلا یؤذین﴾ ترسیم شده است. (رهایی از آزار و اذیت و تعرض افراد بی‌بندوبار که اسیر هوئی و هوس خود هستند).

۳۴۰۴ ۲ مطابق آیه شریفه ﴿یا ایها النبی قل لاؤراجک و بناتک و نساء المؤمنین یدنین علیهن من جلابیبهن...﴾ علت دستور نزدیک کردن پوشش دو مورد ﴿ذَلِكَ ادنی ان يعرفن﴾ به معنای «تا به عفاف شناخته شوند» و ﴿فلا یؤذین﴾ به معنای «مورد اذیت قرار نگیرند» می‌باشد و استفاده از «چادر» به سبب حفظ کرامت بیشتر زن و پوششی مناسب مطابق این آیه شریفه می‌باشد.

۳۴۰۵ ۴ زنان ایرانی قبل از اسلام عموماً پیرو آیین زرتشتی بودند و با پوشش کامل در محل‌های عمومی رفت‌وآمد می‌کردند.

۳۴۰۶ ۲ نگاه به نامحرم اگر براساس قوانین دینی و رعایت عفاف باشد، مانعی ندارد.

۳۴۰۷ ۲ طبق فرموده امام کاظم (ع) تنها چهره و دست تا مچ جایز به دیدن است و بقیه بدن باید پوشیده شود.

۳۴۰۸ ۳ امام صادق (ع) در جواب فضیل بن یسار فرمود: آنچه زیر روسری است و از مچ به بالا نباید آشکار شود و ساعد هم باید پوشیده شود.

۳۴۰۹ ۴ تذکر ﴿ذَلِكَ ادنی ان يعرفن﴾ ترجمه (به عفاف) شناخته شدن برای آن‌ها بهتر است) لذا قرآن کریم به رعایت عفاف دعوت کرده است.

قرآن کریم در آیه ﴿یدنین علیهن﴾ حدود حجاب را تعیین کرده و نوع پوشش را به آداب و رسوم ملت‌ها اختصاص داده است. به علاوه پیشوایان دین نیز حدود حجاب را تعیین کرده‌اند (روایات امام کاظم (ع) و امام صادق (ع))

۳۴۱۰ ۲ شرح آیه (ثمره حجاب):

۱- شناخته شدن به عفاف و پاکی

۲- عدم تعرض افراد بی‌بندوبار و هوس‌باز است.

۳۴۱۱ ۴ بنا به ترجمه آیه، جلابیبه یا جلباب به پوشش تعبیر شده است.

۳۴۱۲ ۳ بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: حجاب قبل از این آیه هم تا حدودی رعایت می‌شود.

گزینه ۲: تابعیت باید ذکر شود. (علیت)

گزینه ۴: اسلام نوع و چگونگی پوشش را تعیین نکرده و بر آداب و رسوم ملت‌ها سپرده است.

۳۴۱۳ ۴ طبق آیه شریفه ﴿ذَلِكَ ادنی ان يعرفن فلا یؤذین﴾ ثمره شناخته شدن به عفاف، مصونیت از آزار بی‌قیدوبند است.

۳۴۱۴ ۳ چگونگی و نوع پوشش به آداب و رسوم ملل و اقوام سپرده شده است و استفاده از لباس‌های مذکور خلاف معیارهای اسلامی و در نتیجه حرام است.

۳۴۱۵ ۱ حدود و حجاب همان پوشش سرتاسری بدن به‌جز صورت و دست تا مچ می‌باشد و عدم تحریک‌کنندگی هم از شرایط پوشش زنان است.

۳۴۱۶ ۳ در اسلام قرآن به برتری چادر نسبت به سایر پوشش‌ها به‌طور صریح اشاره نشده است.

۳۴۱۷ ۲ علت حجاب، به عفاف شناخته شدن و در نتیجه مورد آزار قرار نگرفتن می‌باشد.

۳۴۱۸ ۴ حرمت به پوشش منافعی (عدم هماهنگی با) (نفی‌کننده) ارزش‌های اخلاقی جامعه اختصاص می‌گیرد.

۳۴۱۹ ۱ حجاب نه تنها بازدارنده (کاهش حضور در جامعه) نیست بلکه تشویق‌کننده حضور در جامعه می‌باشد. (باعث حضور مطمئن و ایمن در جامعه)

۳۴۳۸) سفارش‌ها و دستورات قرآن کریم در باب رعایت حجاب، خانه‌نشینی و سلب آزادی زنان را رد نمی‌کند و به آن اشاره‌ای ندارد.

۳۴۳۹) استفاده از چادر سبب حفظ هرچه بیشتر کرامت و منزلت زن می‌گردد و توجه مردان نامحرم را به حداقل می‌رساند.

۳۴۴۰) قرآن کریم عفت حضرت مریم (س) را در معبدی که زنان و مردان به پرستش می‌پرداختند، می‌ستاید؛ که این امر مثالی قرآنی از حضور مثبت بانوان در جامعه می‌باشد و بیانگر ناسازگاری ادعای خانه‌نشینی کردن زنان و سلب آزادی آنان با نگاه قرآن و سیره پیشوایان دین است.

۳۴۴۱) خداوند در آیه شریفه ۵۹ سوره احزاب می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذِينَ...﴾ «ای پیامبر! به زنان و دختران و به زنان مؤمنان بگو پوشش‌های خود را به خود نزدیک‌تر کنند. این برای آن‌که به [عفاف] شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند، بهتر است...» براساس این استدلال به عفاف و پاکی شناخته شدن زنان ایمن ماندن ایشان از آزار هوس‌بازان در گرو رعایت حجاب است.

۳۴۴۲) قرآن کریم زنان و مردان را تنها به پوشش مناسب دعوت نکرده است بلکه حدود این پوشش را نیز در آیات گوناگون بیان نموده است.

۳۴۴۳) نزدیک کردن پوشش‌ها به خود مبین آن است که زنان مسلمان از ابتدا خود را ملزم به رعایت حجاب می‌دیدند اما با حدود آن آشنا نبودند.

۳۴۴۴) با توجه به توضیحات صفحه‌انتهایی درس دوازدهم، قسمت چه لذتی دارد ... ← چه لذتی دارد که انسان مردانگی را، نه فقط در پرورش اندام و قوت بازو، بلکه در توان خویش‌داری در مقابل وسوسه‌های شیطان معنا کند.

در کلام امیرالمؤمنین علی (ع) آراستن برای دیگران (که به منظور ارضای حس مقبولیت انجام می‌شود) گناه بوده و متأثر از وسوسه شیطان است.

۳۴۴۵) چه لذتی دارد که انسان بداند دنیا راهی است به سوی خدا و در این راه نباید با نگاهش، حرفش و نوع پوشش، سنگ راهی باشد و دلی را از حرکت در این مسیر باز دارد.

مفهوم فوق کاملاً با عبارت «مبادا خود را برای دیگران بیاری و با انجام گناه به جنگ با خدا بروی» هم‌خوانی دارد.

۳۴۴۶) چه لذتی دارد وقتی انسان در آلوده شدن چشم و قلب دیگران نقش نداشته باشد و بخشی از گناهان آنان را پای نامه اعمال خود ننویسد.

چه لذتی دارد وقتی انسان هدف خلقت خویش را فراموش نکند و عمر گران‌بهای خود را پای میز آرایش و دوختن و پوشیدن و نمایش دادن و به چشم‌ها نشستن، به پایان نرساند.

۳۴۴۷) چه لذتی دارد وقتی رضایت خدا را به رضایت انسان‌های هوس‌ران ترجیح می‌دهی؛ چه لذتی دارد عقیف بودن.

**تذکره** تمام مطالب قسمت «چه لذتی دارد...» مرتبط با عفاف و عقیف بودن می‌باشند. فردی که می‌کوشد تمایلات درونی و تصمیم‌ها و فعالیت‌های خود را در جهت خواست و رضایت الهی قرار دهد، به توحید عملی رسیده است.

۳۴۴۰) حجاب حضور زنان را در جامعه محدود نمی‌کند، بلکه این حضور را چند برابر می‌نماید (حجاب محدودیت نیست). به علاوه شرایط حضوری مطمئن و ایمن را برای زن فراهم می‌سازد (مصونیت است).

۳۴۴۱) خداوند دستور حجاب را برای زمان حضور زن در اجتماع و مواجهه با نامحرم‌ان داده نه برای داخل خانه. امام کاظم (ع) به حد و حدود حجاب (صورت و دست تا مچ) اشاره فرمودند.

۳۴۴۲) همه ادیان در واقع یک دین هستند و همواره بر پوشش تأکید داشته و آن را لازمه دینداری برشمرده‌اند.

۳۴۴۳) اروپا قبل از مسیح بی‌دین بود (شرک و بت‌پرستی) و موی سر خود را نمی‌پوشاندند. با ورود مسیحیت حجاب را به دینداری نزدیک‌تر دانستند ولی اخیراً مورد غفلت قرار گرفته است.

۳۴۴۴) قبل از ظهور مسیح (ع) در فلسطین، اروپا در شرک و بت‌پرستی به سر می‌برد.

۳۴۴۵) ادیان الهی (که در واقع یک دین بوده‌اند) همواره بر پوشش تأکید کرده‌اند.

۳۴۴۶) بی‌حجابی زنان غرب، نه تنها جایگاهی در اندیشه مسیحیت حقیقی ندارد؛ بلکه بازگشتی به سنت‌های مشرکانه قبل از حضرت مسیح (ع) محسوب می‌شود.

۳۴۴۷) زنان مسیحی حضرت مریم (س) را الگوی خود قرار دادند و زنان راهبه و قدیس همواره به داشتن یکی از کامل‌ترین حجاب‌ها شناخته شده‌اند.

۳۴۴۸) کنترل چشم در برابر نامحرم‌ان از وظایف مشترک مردان و زنان در رعایت عفاف می‌باشد.

۳۴۴۹) پوشش مردان:

۱- لباسی که حافظ وقار و احترام مرد باشد.

۲- با ارزش‌های جامعه هماهنگ باشد.

۳۴۳۰) رعایت حجاب و پوشش که یک وظیفه الهی است، مانند هر عمل دیگری، هرچه کامل‌تر و دقیق‌تر انجام شود، نزد خدا بارزتر و آثار و ثمرات فردی و اجتماعی آن افزون‌تر است و فرد را به رشد و کمال معنوی بالاتری می‌رساند.

۳۴۳۱) حضور زنان مسلمان و حضرت فاطمه (س) به منظور پرستاری در جبهه‌های جنگ (و نه جهاد با دشمنان خدا) نمونه اسلامی و چوپانی دختران شعیب (ع) مثال غیراسلامی، نفی سلب آزادی زنان محجبه است.

۳۴۳۲) جامعه ← بالا رفتن سلامت اخلاقی

خود زن ← حفظ حریم و حرمت زن

۳۴۳۳) این امر مبین نزدیک‌تر بودن حجاب به دینداری و پسندیده‌تر بودن آن در پیشگاه خداست.

۳۴۳۴) ایران باستان را منشأ اصلی گسترش حجاب دانسته‌اند و چگونگی پوشش را دین مشخص نکرده و آن را به آداب و رسوم ملت‌ها سپرده است.

۳۴۳۵) پوشاندن چهره و دست تا مچ ← روایت امام کاظم (ع)

آشکار نساختن آن‌چه زیر روسری قرار دارد ← روایت امام صادق (ع)

۳۴۳۶) بنابر آیات قرآن کریم زنان باید حجاب خود را به‌گونه‌ای تنظیم کنند که علاوه بر موی سر، گریبان و گردن آن‌ها را نیز بپوشاند.

۳۴۳۷) ﴿يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ﴾ پوشش‌های خود را به خود نزدیک‌تر کنند. آیه اشاره به دستور حجاب برای زنان دارد.